

همه پای کار

درباره پوشش های ملی که برای بهبود شرایط زندگی مردم راهاندازی شده و مورد استقبال هم قرار گرفته اند

جامعه امروز

فاطمه عسگری نیا | روزنامه نگار | تمام
نقشه های دشمنان قسم خورده ایران علیه این کشور و خواب های محالی که دیده بودند برای آینده ایران نقش بر آب شد؛ آن هم به خاطر همدلی، ایستادگی و مقاومت مردم ایران؛ موضوع مهمی که حتی خاورپادشاهان و نمایندگان صلیب سرخ هم بعد از حضور در ایران به آن اعتراف کرده و گفته: آمریکا فکر می کرد ظرف ۴ روز حملاتش ایران را نابود می کند اما غیرت مردم ایران همه معادلات آنها را بر هم زد؛ مردمی که به اعتراف جهانیان آنقدر در مواقع بحران هوای همدیگر و کشورشان را دارند که زور دشمنان قسم خورده بر سر کشورشان بیفتد آن وقت است که همه با هم متحد می شوند و مثل موج خروشان بر سر بدخواهان سرزمینشان خراب می شوند؛ چه با حضور میدانی خود در خیابان ها و اعلام حمایتشان از رهبر و مسئولان نظام، چه با راه اندازی پوشش هایی که هدفشان ساختن دوباره ایران است. ما در این گزارش به چند نمونه از این پوشش های مردمی که برای حال خوب مردم راه اندازی شده است، پرداخته ایم.

پوشش ایران ما

این پوشش وقتی شکل گرفت که درخواست های مردمی برای کمک در جبهه پشتیبانی به اوج خودش رسید؛ بنابراین سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر تصمیم گرفت با راه اندازی این پوشش از تمامی متخصصان داوطلب دعوت کند تا نام در این پوشش آمادگی خود را برای ارائه خدمات در حوزه پشتیبانی به وقت نیاز اعلام کنند. محمد جواد عزتی خواه، رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در گفت و گو با همشهری از ثبت نام بالغ بر ۳۰ هزار نفر در این پوشش خبر داده و گفته که همه تخصص ها بین این افراد دیده می شود؛ از بنا و شیشه بر و تعمیر کار گرفته تا پزشک و

پوشش ملی ورزش همگانی

اصل و شرح

این روزها مردم بیش از هر زمان دیگری به یک تجدید قوای جسمی و ذهنی نیاز دارند به خاطر همین هم وزارت ورزش و امور جوانان اقدام به پوشش ملی ورزش همگانی کرده است. اینطور که علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و

جوانان گفته این پوشش به زودی در تمامی محله های شهرهای بزرگ راه اندازی خواهد شد؛ چرا که معتقد است در شرایط فعلی، بیش از هر زمان به نشاط، امید و تاب آوری اجتماعی نیاز داریم؛ «یکی از مهم ترین ابزارهای تحقق این هدف، گسترش ورزش و همگانی است؛ ورزشی که هم سلامت جسم را تقویت می کند و هم به ارتقای روحیه و همبستگی اجتماعی کمک می کند.» به گفته او تا گام نخست، راه اندازی ۲ هزار پایگاه

ورزش همگانی در محله های سراسر کشور در دستور کار قرار گرفته؛ حرکتی که قرار است با مشارکت فدراسیون ها، استان ها و سمن های جوانان پیش برود؛ از اطلاع رسانی و جذب مشارکت مردمی تا اجرای برنامه های فرهنگی و پشتیبانی اجرایی. در ابتدا قرار است فضاهای مناسب مثل پارک ها، مدارس و اماکن عمومی شناسایی شود تا زمینه ایجاد ۲۰ هزار پایگاه ورزشی محلی در کشور راه اندازی شود.



پوشش کنار مردم

گاهی همین که مردم بدانند خادمانشان چطور در شرایط سخت جنگی مشغول خدمات رسانی به آنها بوده اند و حتی بیماران را هم توانسته مانع این خدمات رسانی شود، دلشان قرص تر می شود و این دل قرصی و اطمینان خاطر آنها را به مسئولان نزدیک تر خواهد کرد. برای اینکه روایت این خدمات دسته بندی و به مردم ارائه شود پوشش «کنار مردم» از سوی سازمان بهزیستی کشور راه اندازی شده است؛ پوششی با شعار خدمت ادامه دارد که هدف اصلی اش جمع آوری روایت های مستند از فعالیت های خدمت رسانی در دوران جنگ است. سعید خادمی، مشاور رئیس و راهبر روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بهزیستی کشور گفته با این پوشش قرار است خادمان مردمی با روایت آنچه در دوران جنگ تحمیلی سوم تجربه کرده اند به مردم نشان دهند که چطور در روزهای سخت جنگ همه هوایشان را دانسته اند؛ «در این پوشش روایت مددکاران، روانشناسان، خدمت دهندگان و شرکای اجتماعی سازمان بهزیستی در جریان جنگ دریافت می شود و تلاش داریم جلوه های آن را همراهی و خدمت رسانی به جامعه هدف را در این شرایط ثبت و منتشر کنیم.» بنا بر اعلام این مسئول، علاقه مندان می توانند آثار خود را در قالب فیلم مستند یا ویدئوی کوتاه ۱ تا ۳ دقیقه ای، روایت مکتوب (خاطره و...) حداکثر ۵۰۰ کلمه، فایل صوتی ۱ تا ۳ دقیقه ای یا عکس به همراه توضیح ارسال کنند. نام و نام خانوادگی، کد ملی، استان محل خدمت و شماره تماس باید همراه آثار ارسال شود و متقاضیان می توانند از طریق پیام رسان بله و ای تا به شناسه @kenaremdom یا شماره ۰۹۱۷۶۰۴۶۴۷-۰۹۱۷۶۰۴۶۴۷ آتار خود را ارسال کنند.



پوشش ایران ما

پوشش ایران ما

برستار و ورزشکار؛ «جبهه مردمی ایران ما با هدف جذب داوطلبان جدید در فعالیت های خدماتی و امدادی، جمع آوری کمک های مردمی برای جنگ زده ها، فعالیت های امدادی و پشتیبانی از مردم در جنگ و ارتباط با چهره های مشهور که علاقه مند به نقش آفرینی در این حوزه هستند، تشکیل شد.» رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر با اشاره به نقش پررنگ خیرین مردمی در این پوشش از راه اندازی کارگاه های ساختمانی برای جبران آسیب های وارده به مناطق مسکونی در جنگ ۴۰ روزه خبر داد و گفت: «ثبت نام در این پوشش همچنان ادامه دارد و قرارمان این است که بعد از پایان رسمی جنگ با کمک این نیروهای مردمی، دوران سازندگی ایران را با قدرت شروع کنیم.»

باید در شورای مهارت استان ها و با همراهی استانداری ها و معاونت های اقتصادی به طور جدی پیگیری شوند. محمدی معتقد است پوشش امداد ایران ما هر یک طرح و یک حرکت ملی برای استفاده از توان مهارتی کشور در بازسازی پس از جنگ است و پوشش «سفیران انرژی» اقدامی مهم برای مهارت آموزی افراد جوانی کار در حوزه انرژی های تجدیدپذیر و بهینه سازی مصرف انرژی پس از جنگ. به گفته وی، ستادهای استانی این پوشش در اداره های کل فنی و حرفه ای تشکیل شده و قرار است با همکاری استانداری ها، فرمانداری ها، بنیاد مسکن، هلال احمر و شهرداری ها عملیات بازسازی را پیش ببرند. معاون وزیر کار با دعوت از تمامی استادکاران، مربیان و مهارت آموختگان برای مشارکت در این طرح ملی، اعلام کرد علاقه مندان می توانند با مراجعه به درگاه ۰۹۱۷۶۰۴۶۴۷-۰۹۱۷۶۰۴۶۴۷ ثبت نام کنند.

نسخه جنگ طلبان برای کاهش عذاب وجدان



«این عکس هوش مصنوعی» «همه اینا باز بگرن» و... تمام اینها، نسخه بچی هایی بود که جنگ طلبان در میانه جنگ و حال در روزهای آتش بس دنبال می کنند تا شاید کمی از عذاب وجدان ناشی از جنگ طلبی خود بکاهند. از

روز گذشته ویدئوی عکاسی که لحظات اولیه موشباران میدان فردوسی را ثبت کرد، باز نشر شد. این ویدئو پاسخی بود به افرادی که تمام عکس های آن روز جنگ را صحنه سازی می دانستند. یک کاربر با انتشار این ویدئو به

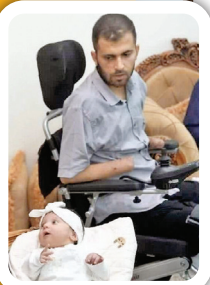
اعضای بدنم کنار شهداست

گفت و گوی همشهری با حسین محمدی و خانواده اش که پای لاتیچر و در راه وطن، دست ها و پاهایش را فدا کرد

مکت

مرهمی برای درد پهلوان وطن

حسین محمدی با تمام ارادتی که به حضرت رقیه (س) داشته، پیش از جانبازی اش، خود را لایق پدری برای همنا اسیر خردسال کر بلا ندیده است: «همه ما می دانستیم که برادرم به اسم حضرت رقیه (س) علاقه عجیبی دارد، ولی می گفت قبلا جرأت نکردم این اسم را روی دخترم بگذارم و اسم حنانه را برای او انتخاب کردیم. وقتی جانباز شدم، تصمیم گرفتم اسمش را رقیه بگذارم.»



محمد این روزها با پای برادر جانبازش، راهروهای بیمارستان ها را بالا و پایین می رود تا شاید بعد از چند عمل جراحی سنگین که روی او انجام می شود، کمی درد هایش تسکین پیدا کند: «برادرم خیلی درد دارد، ولی صبرش عجیب است. باید چند عمل جراحی دیگر روی بدنش انجام شود.» پهلوان جوان ایران امیدوار است که پزشکان متخصص کشورمان برای او پروتزهای هوشمند دست و پا بسازند تا دوباره بتواند روی پای خودش بایستد، اما به راهی که برای آن سلامتی اش را فدا کرده ایمان دارد و می گوید: «جان و سلامتی ما فدای رزهر و مردم و کشورم.»



رابعه تیموری | روزنامه نگار | حسین آقا ته تقاری خانواده محمدی است اما ناز پرورده بار نیامد. او نه فقط برای خودش که برای همه مردم ایران پهلوانی بزرگ و نشان دار شده است. حسین آقا جانباز سومین جنگ تحمیلی ما با دشمن صهیونی-آمریکایی است و در همان روزی که نخستین فرزندش به دنیا آمد، ۱۳۵۳

گزارش

دوستاتم جان خود را به خطر انداختند

روایت حسین از روز جانباز شدنش مراد و نجیبانه است. بی هیچ شکوه و گلاهی از درد جانکاهی که آن روز تحمل کرد، می گوید: «من و همکارانم پای لاتیچر نشستیم و دیدم که دودی نارنجی آسمان را پر کرد. همکارانم که متوجه حمله دشمن شدند، پناه گرفتند و من را صدا زدند تا زودتر از آنها بیرون بروم، ولی انگار کف پاهایم سرب داغ ریخته بودند و نمی توانستم حرکت کنم.» او لحظه قطع شدن دستش را به چشم دیده، اما در آن لحظه نمی دانسته که پاهایش را هم از دست داده است: «وقتی یکی از دوستانم به همکارانم گفت دست و پای حسین قطع شده، تازه فهمیدم و با وجود خطری که آنها را تهدید می کرد، برگشتمند و من را با خود از آنجا بیرون بردند.» حسین در تمام طول مسیر محل کارش تا بیمارستان به هوش بود و دردی را که تا مغز استخوانش را می سوزاند، تحمل می کرد: «با وجود درد زیادی که داشتم از هوش نمی رفتم. وقتی به بیمارستان رسیدم من را از گردن بیهوش کردند و دیگر چیزی نفهمیدم.» اعضای بدن حسین آقا در مزار شهدای کرمانشاه دفن کرده اند و او روی تخت بیمارستان با آرامش خاکسپاری اعضای بدنش را به صورت زنده تماشا کرده است: «همیشه دلم می خواست شهدا کنار خودی من جایی نگه دارند و آن روز که اعضای بدنم کنار شهدا دفن شد، آرام گرفتم.»

دختر عزیز پایا

فقط چند دقیقه بعد از مجروح شدن حسین، دختر کوجولوی او و زهرا همسرش به دنیا می آید و او پدر می شود: «در بیمارستان که خبر به دنیا آمدن دخترم را شنیدم، احساس کردم او آمده تا این روزهای سخت را با ما قوت قلب بیشتری بگذرانم.» زهرا خانم زندگی مشترک با همسر ده هشتاد و یک ساله را کنار مزار شهدا شروع کرده است: «ما سوم خرداد سال ۱۴۰۳ در سالروز آزادسازی خرمشهر کنار مزار شهدا با هم ازدواج کردیم.» هیچ کس نمی داند عروس و داماد جوان آن روز چه قول و قرارهایی با هم گذاشتند. حال زهرا را در آخرین بار که او را برای مأموریت راهی کرد، فقط خودش می داند: «همیشه وقتی برای سفر و مأموریت می رفت، چغیه اش را همراه می برد، ولی آن روز انگار یادش رفت. من چغیه اش را تا دم در بردم و دور گردنش انداختم تا موقع عملیات به یاد من باشد.» لحن پراز اطمینان و محبت زهرا، دل حسین آقا را برای انتخاب این مسیر قرص کرده است: «وقتی رقیه بزرگ شود حتما به پدرش افتخار می کند.»

به سبک و سیاق شهدا

محمد برادر بزرگ حسین است و در روزهای جنگ نگرانی ها و دلشوره های خانواده اش را برای ته تقاری شان دیده است: «همه نیروهای مسلح درگیر جنگ هستند و جانیشان را برای دفاع از کشورشان کف دستشان گذاشته اند، اما رزمنده های هوافضای کشور در خط مقدم هستند. در روزهای جنگ هر بار که حسین راهی محل کارش می شد تا دوباره برمی گشت مادرم از دلشوره و نگرانی صد بار می مرد و زنده می شد.» به قول محمد، برادر کوچک خانواده همیشه به سبک و سیاق شهدا زندگی کرده است: «برادرم همیشه همدم شهدا بوده و برای رضای آنها خدمت کرده است. فقط کنار مزار شهدا آرام می گرفت و هر وقت سراغش را می گرفتمم آنجا پیدایش می کردم. در این روزهای جنگ با حقوقش برای موبک آمیوه گیری خرید و وقت فراغت را همیشه در موبک می گذراند.» نه تنها مراسم عقد زهرا و حسین در مزار شهدا بود، بلکه دخترش رقیه هم نخستین بار در گلزار شهدا شیر مادرش را نوشیده است: «برادرم وقتی به هوش آمد و فهمید دخترش به دنیا آمده از همسرش خواست کنار مزار شهدا نخستین بار به او شیر بدهد.»

